



مرکز مجاز امام صادق علیه السلام

رجال - اعتبار سنجی احادیث شیعه

غلو، علت اصلی تضعیف

جلسه ۹

استادحسینی شیرازی

نقش غلو در تضعیف راویان:

نزدیک به ۸۹٪ احادیث شیعه در منابع رجالی، علت تضعیف شدن آن غلو است.

✓ به چه علت اصحاب شیعه در مسئله غلو حساسیت زیادی داشتند؟

✓ آیا مصداق شناسی غلو در گذر زمان، دچار تغییر و تحول شد یا خیر؟

✓ چرا تمام تلاش امام باقر علیه السلام بر نشر فراگیر آموزه های فقهی بوده است؟

دلیل اول: زیرا، تمام آموزه های فقهی، نیاز آن به آن تمام افراد موجود جامعه شیعی است.

دلیل دوم: اگر ما حاکمیت احکام فقهی از جانب معصوم علیه السلام را بپذیریم، بسته معرفتی ما کامل

زیرا؛ سه مطلب را قبول کرده ایم:

۱. حاکمیت علی الاطلاق خداوند متعال (محل درگیری غلو)

۲. واسطه هایی برای بیان این آموزه ها (در قالب نبوت و امامت)

۳. ضرورت جامه عمل پوشیدن به احکام فقهی

همان گونه که تضعیفات ناظر به گسترش غالیان است، توثیقات هم ناظر به گسترش آموزه های فقهی

است.

جریان غالیان چه کردند؟ جریان غلو می خواست بسته سه ضلعی معرفتی را کاملاً متلاشی کند.

در عصر امام باقر علیه السلام، مغیره بن سعید و در عصر امام صادق علیه السلام، ابوالخطاب غالی بودند.

در مرحله اول؛ قائل به نبوت ائمه علیهم السلام شدند.

در مرحله دوم، به خدایی امام باقر و امام صادق علیهما السلام رسیدند و سپس هر دو ادعای نبوت آن دو را کردند و دستوراتشان، اباحه‌گری مطلق بود.

هدفشان این بود که ثمرات برآمده از حرکت فرهنگی امام باقر علیه السلام را خنثی کنند.

عکس‌العمل امام باقر و امام صادق علیهما السلام در مقابل جریان غلو:

۱. اظهار بیزاری

۲. امر به فاصله‌گیری از آنها

۳. معرفی جریان فکری فرهنگی اصیل به همراه سردمدارانش (طبقه اول اصحاب اجماع)

ابوخطاب از توان روان‌شناسی جوان‌ها برخوردار بود، لذا بسیاری از قشر جوان را جذب کرد.

به این علت امام صادق علیه السلام در مقابل این کار، یک جریان فکری اصیل را که فقه‌مداری در

رأس آن بود با سردمدارانش، معرفی نمود.

(معرفی کتاب؛ دعائم الاسلام، اثر قاضی نعمان. در صفحات ۴۹ الی ۵۱ به نکات تاریخی این جریان

پرداخته است.)

اعلام خطر امام صادق علیه السلام به جامعه شیعه نسبت به غلات:

وَ عَنْهُ، قَالَ: أَخْبَرَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ

أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَّارٍ، قَالَ: قَالَ

الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): احذروا على سبابكم الغلاة لا يفسدونهم، فإن الغلاة شر خلق الله، يصغرون عظمة

الله، و يدعون الرُّبُوبِيَّةَ لِعِبَادِ اللَّهِ، وَ اللَّهُ إِنَّ الْغُلَاةَ شَرُّ مِنَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ الْمَجُوسِ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا.

ثُمَّ قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنَّا يَرْجِعُ الْعَالِي فَلَا نَقْبَلُهُ، وَ بِنَا يَلْحَقُ الْمُقَصِّرُ فَنَقْبَلُهُ. فَقِيلَ لَهُ: كَيْفَ ذَلِكَ، يَا ابْنَ

رَسُولِ اللَّهِ قَالَ: لِأَنَّ الْعَالِي قَدْ اعْتَادَ تَرْكَ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ الْحَجِّ، فَلَا يَقْدِرُ عَلَى تَرْكِ عَادَتِهِ، وَ عَلَى



در بیان زین العابدین (علیه السلام)

الرُّجُوعُ إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) أَبَدًا، وَإِنَّ الْمُقَصِّرَ إِذَا عَرَفَ عَمَلَهُ وَاطَّاعَ. (امالی شیخ طوسی / مجلس
۱۲/ح ۱۳)

... فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ... هُمْ شَرُّ مِنَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسِ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا، وَاللَّهُ مَا صَغَرَ

عَظْمَةَ اللَّهِ تَصْغِيرَهُمْ شَيْءٌ قَطُّ... (اختیار معرفه الرجال / نجاشی / م/ ۵۳۸).

گاهی اوقات یکسان‌انگاری از سوی اصحاب، بین آموزه‌های امامتی اصیل و بین آموزه‌های جریان
انحرافی غلو ایجاد می‌شود که جابر بن یزید جعفی، از این دسته افراد است.

نمونه اول: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ (مقصود، احمد بن محمد عیسی)

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ حَدَّثَنِي زِيَادُ بْنُ أَبِي الْحَلَالِ قَالَ: اِخْتَلَفَ النَّاسُ فِي جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ وَ أَحَادِيثِهِ وَ
أَعَاجِيبِهِ قَالَ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنْهُ فَابْتَدَأَنِي مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْأَلَهُ رَحِمَ اللَّهُ جَابِرَ
بْنَ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ كَانَ يُصَدِّقُ عَلَيْنَا وَ لَعَنَ اللَّهُ الْمُغِيرَةَ بْنَ شُعْبَةَ (بن سعید) كَانَ يَكْذِبُ عَلَيْنَا.

ImamSadiq.tv ImamSadiq.tv ImamSadiq.tv

(بصائر الدرجات / ج ۱، ص: ۲۳۸)

نمونه دوم: كُنْتُ سَمِعْتُ مِنْ جَابِرٍ أَحَادِيثَ فَاضْطَرَبَ فِيهَا فُؤَادِي وَ ضِفْتُ فِيهَا ضِيقَ [صَنِيقًا] شَدِيدًا فَقُلْتُ وَ
اللَّهُ إِنَّ الْمُسْتَرَّاحَ لَقَرِيبٌ وَ إِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ فَاتَّبَعْتُ [فَاتَّبَعْتُ] بَعِيرًا وَ خَرَجْتُ عَلَيْهِ مِنَ الْمَدِينَةِ وَ طَلَبْتُ الْإِذْنَ
عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَأَذِنَ لِي فَلَمَّا نَظَرُ إِلَيَّ قَالَ رَحِمَ اللَّهُ جَابِرًا كَانَ يُصَدِّقُ عَلَيْنَا وَ لَعَنَ اللَّهُ الْمُغِيرَةَ فَإِنَّهُ كَانَ
يَكْذِبُ عَلَيْنَا قَالَ ثُمَّ قَالَ فِينَا رُوحُ رَسُولِ اللَّهِ ص. (بصائر الدرجات ، ج ۱، ص: ۴۶۰)

نکات روایت

۱. چرا حضرت بدون سؤال، پاسخ دادند؟ حضرت برای نشان دادن علم خود، بدون سؤال پاسخ

دادند.

۲. چرا حضرت این دو شخص را در کنار همنام بردند؟ حضرت قصد دارند بیان کنند که یکسان‌انگاری که در گذشته صحبت شد، اشتباه است.

شاهد اول

محمد بن أورمة، أبو جعفر، القميّ

اتهمه القميّون بالعلوّ، و حديثه نقيّ لا فساد فيه، ... و رأيت «كتابا» خرج من أبي الحسن، عليّ بن محمد عليهما السّلام إلى القميّين في براءته ممّا قذف به (و حسن عقيدته، و قرب) منزلته.

(رجال ابن غضائری / ص ۹۳ / م ۱۳۳)

شاهد دوم

محمد بن سنان

... حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَالِكِيُّ قَالَ: قُلْتُ لِأَحْمَدَ بْنِ هُلَيْلِ الْكَرْخِيِّ أَخْبِرْنِي عَمَّا يُقَالُ فِي مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ مِنْ أَمْرِ الْعُلُوِّ فَقَالَ مَعَاذَ اللَّهِ هُوَ وَاللَّهِ عَلَّمَنِي الطُّهُورَ وَ حَبَسَ الْعِيَالِ وَ كَانَ مُتَّقِشًا مُتَعَبِّدًا (تقشف: کسی که پوستش در اثر آفتاب سوخته باشد و لفظ دلالت بر اشخاصی دارد که به ظاهرش توجه ندارد)

شاهد سوم

فضل بن شاذان

... وَ إِنَّمَا كَانَ مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْفَذَ إِلَى نَيْسَابُورَ وَ كَيْلًا مِنَ الْعِرَاقِ، كَانَ يُسَمَّى أَيُّوبُ بْنُ النَّابِ ، يَقْبِضُ حُقُوقَهُ، فَنَزَلَ بِنَيْسَابُورَ عِنْدَ قَوْمٍ مِنَ الشَّيْعَةِ مِمَّنْ يَذْهَبُ مَذْهَبَ الْإِرْتِفَاعِ وَ الْعُلُوِّ وَ التَّفْوِيضِ، كَرِهَتْ أَنْ أُسَمِّيَهُمْ. فَكَتَبَ هَذَا الْوَكِيلُ: يَشْكُو الْفَضْلَ بْنَ شَاذَانَ، بِأَنَّهُ يَزْعُمُ (نشرمی داد) أَنِّي لَسْتُ مِنَ الْأَصْلِ وَ يَمْنَعُ النَّاسَ مِنْ إِخْرَاجِ حُقُوقِهِ، وَ كَتَبَ هَؤُلَاءِ النَّفَرُ أَيْضًا إِلَى الْأَصْلِ، الشُّكَايَةَ لِلْفَضْلِ، وَ لَمْ يَكُنْ ذَكَرُوا الْجِسْمَ وَ



در سیرت مجاز امام صادق علیه السلام

لَا غَيْرَهُ، وَ نَلِكَ التَّوْقِيْعُ حَرَجَ مِنْ يَدِ الْمَعْرُوفِ بِلِلْدَهْقَانِ بِيْعَدَادَ فِي كِتَابِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمْدَوَيْهِ الْبَيْهَقِيِّ، وَ قَدْ قَرَأْتُهُ بِحَطِّ مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامِ.

tv . وَ التَّوْقِيْعُ هَذَا: الْفَضْلُ بْنُ شَادَانَ مَا لَهُ وَ لِمَوَالِيِّ يُؤْذِيهِمْ وَ يُكْذِبُهُمْ... (رجال كشي / ص ٥٤٢ / م ١٠٢٨) Imam

یکسان انگاری، باعث شد بسیاری از اصحاب در گذر زمان، هر چه را بوی غلو میداد، تکفیر کنند.

نظر آیه الله شبیری زنجانی در خصوص فوائد مترتب بر احادیث ضعیف السند

۱. حصول اطمینان به حدیث با ضمیمه کردن احادیث ضعیف السند

۲. کشف قیود و جزئیات احادیث معتبر

در یادداشت قبل طرح شد که توجه به مسئله وحدت و تعدد احادیث تأثیر زیادی در نحوه استنباط دارد.

tv . در این مسئله گاهی ممکن است ضعف بعضی از اسناد روایات باعث اخلال نشود. مثلاً اگر

حدیثی از طریق سعید نقل شده و همان کلام امام علیه السلام با قید زائدی از طریق دیگری که ضعیف است نقل شده و داعی عقلایی بر زیاد کردن آن قید وجود نداشته باشد همان مسائل بحث وحدت روایات جاری می شود. چرا که اصل عدم خطا اصلی نیست که اختصاص به ثقات داشته باشد اگر احتمال تعمد در اضافه کردن آن زیاد عقلایی باشد دگر این بیان جاری نخواهد بود.

۳. کشف معنای لغات

tv . تتبع در موارد استعمال یک لغت در کشف معنای آن تأثیر فراوانی دارد، اما آیا در این تتبع می توان از

احادیثی که سند ضعیفی دارند بهره گرفت؟ برای پاسخ به این سؤال باید منشاء ضعف سند حدیث را مورد لحاظ قرارداد.

۴. احراز مطرح بودن مسئله، در سده‌های آغازین

باتوجه به توضیحی که ذیل فایده قبل گذشت گاهی با احادیث ضعیف‌السند می‌توان نشان داد که مسئله مطرح شده در آن احادیث مثلاً در سده اول و دوم مطرح بوده است. اما احراز این امر در وجه حجیت اجماع اقوال مختلفی طرح شده است. مبنی این است که اتفاق نظر فقهای هم عصر معصومین علیهم‌السلام از جهت تقریر معصوم، کاشف از درستی فتوای آنان است. طبق این مبنی، مدرکی بودن اجماع مخل نیست، لکن در بسیاری از موارد مانع احراز اتصال فتوا به زمان ائمه پیشین علیهم‌السلام می‌شود، اما با وجود قرائنی می‌توان اتصال را با وجود مدرک احراز کرد. یکی از این قرائن، مطرح بودن مسئله در زمان ائمه پیشین علیهم‌السلام و عدم نقل خلاف است.

۵. کارکرد روایات ضعیف‌السند در تحلیل‌های تاریخ حدیثی

۶. کارکرد روایات ضعیف‌السند در مباحث پیرا امامتی

نمونه‌هایی از ابواب پیرا امامتی کافی

باب ان الائمة عليهم السلام يعلمون علم ما كان و ما يكون و انه لا يخفى عليهم شئ صلوات الله عليهم

۱. عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ جَمَاعَةِ بْنِ سَعْدِ الْخُنَعَمِيِّ أَنَّهُ قَالَ: كَانَ الْمُفْضَلُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ الْمُفْضَلُ جُعِلْتُ فِدَاكَ يَفْرِضُ اللَّهُ طَاعَةَ عَبْدِ عَلِيٍّ الْعِبَادِ وَ يَحْجُبُ عَنْهُ حَبَرَ السَّمَاءِ قَالَ لَا اللَّهُ أَكْرَمُ وَ أَرْحَمُ وَ أَرَأَيْتَ بِعِبَادِهِ مَنْ أَنْ يَفْرِضَ طَاعَةَ عَبْدِ عَلِيٍّ الْعِبَادِ ثُمَّ يَحْجُبُ عَنْهُ حَبَرَ السَّمَاءِ صَبَاحاً وَ مَسَاءً.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رَبَّابٍ عَنْ ضَرِيْسِ الْكُنَاسِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: وَ عِنْدَهُ أَنَاثٌ مِنْ أَصْحَابِهِ عَجِبْتُ مِنْ قَوْمٍ يَتَوَلَّوْنَا وَ يَجْعَلُونَا أَيْمَةً وَ يَصِفُونَنَا أَنَّ طَاعَتَنَا مُفْتَرَضَةٌ عَلَيْهِمْ كَطَاعَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ثُمَّ يَكْسِرُونَ حُجَّتَهُمْ وَ يَخْصِمُونَ أَنْفُسَهُمْ



مرکز مجاز امام صادق (ع)

بِضَعْفِ قُلُوبِهِمْ فَيَنْقُضُونَا حَقَّنَا وَ يَعْيبُونَ ذَلِكَ عَلَيَّ مَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ بُرْهَانَ حَقِّ مَعْرِفَتِنَا وَ التَّسْلِيمِ لِأَمْرِنَا أ تَرُونَ
أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِفْتَرَضَ طَاعَةَ أَوْلِيَائِهِ عَلَيَّ عِبَادِهِ ثُمَّ يُخْفِي عَنْهُمْ أَخْبَارَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ...
نکته

● گاهی اوقات روایات ضعیف السند، برای تراکم ظنون و باور سازی تأثیر دارند.. ImamSadiq.tv

سؤال پیشرو:

چه امری باعث توثیق راویان شد و آن امر چه تأثیری در پذیرش و عدم پذیرش توثیقات خواهد داشت؟

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv